پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۸ شماره ۳۴ بهار و تابستان ۱۳۹۹ (صص ۱۸۴-۱۶۵)

تحلیل زبان زنانه در شعر سعیده بنت خاطر الفارسی

[۱]-ابوذر قاسمی آرانی ۲-یحیی معروف ۳-علی سلیمی ۴-شهریار همتی

چکیده

زبان همواره محملی برای ظهور باورهای ذهنی، تفکرات و احساسات درونی شاعران بوده است. در این‌میان زنان شاعر با احساسات، عواطف و زبان زنانه موفق به خلق ادبیات زنانه شده‌اند. «سعیده بنت‌خاطر» شاعره برجسته عُمانی است که توانسته با کاربرد زبان، جهانی زنانه را در شعر خویش خلق کند و به تحولات عمیقی در حوزه زبان شعری زنانه دست یابد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی یکی از پیشگامان شعر زنانه عُمان، با تحلیل سیر تحولی ادبیات زنانه در شعر عربی؛ زبان زنانهٔ این شاعر را در دو سطح واژگانی و نحوی، با روش توصیفی- تحلیلی بررسی می‌کند و به این سوال اصلی پاسخ داده است که بنت‌خاطر برای القای چه مفاهیمی از زبان زنانه استفاده کرده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که وی از واژگان زنانه برای بیان مقاصد مختلفی مانند: مخالفت با اندیشه‌ی مردسالار، بیان مفاهیم دینی و بیان احساسات بهره گرفته است؛ دلی مالامال از تبعیض و نابرابری حقوق زنان در جامعه عربی دارد و اثرات این تفکر فمنیستی در جای جای اشعارش به چشم می‌خورد. همچنین شاعر از ساختار نحوی زبان زنانه با گفتاری قاطع برای بیان مقاصد سیاسی، اجتماعی خویش بهره می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: زبان زنانه- شعر معاصر- عُمان- سعیده بنت خاطرالفارسی

۱-دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی
۲-استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) Email:y.marof@razi.ac.ir
۳-استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی
۴-دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی
تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۸

۱-مقدمه

در طول تاریخ، زبان که سرچشمه خلق آثار ادبی است نهادی مردانه بوده است و زنان قادر نبودند در این نهاد مردانه، دیدگاه‌ها، تجارب و اندیشه‌های خود را بیان کنند اما امروزه زبان با تأثیرپذیری از تفاوت جنسیتی، در خلال جریان‌های اجتماعی تحول یافته و با ارتقا یافتن جایگاه زنان در کشورهای عربی وضعیت شعر زنانه نیز متحول شده است. زنان شاعر معاصر علیرغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، قوانین و سنت‌های موجود در ابراز عواطف، احساسات ذهنی و زبانی در زمینه هنر به هویت زنانه‌ی خویش نیز توجّه نشان دادند که این امر در شکل‌گیری زبان زنانه در شعرشان مؤثر بوده است به‌ویژه این‌که دوره معاصر عُمان را می‌توان دوره شکوفایی ادبی برای زنان شاعر این کشور محسوب کرد. «سعیده بنت‌خاطر شعر زنانه را در عمان، با رویکردی متفاوت بنیان‌گذاری کرد. سپس دیگر شاعران عمانی از جمله: شمیسه النعمانی، حصۀ البادیۀ و فتحیه الصقریه این مسیر را ادامه دادند. این شاعران زن از طریق سروده های خود توانستند یک روش متفاوت و خوانش فرهنگی نوینی برای زبان زنانه ابداع کنند که به‌طور کلی با محتوای رایج شعر عمان متفاوت بود. آن‌ها از طریق شکستن زنجیر عروض کلاسیک و قالب‌های سنتی به آفرینش شعر آزاد دست یافتند و الگوهای فرهنگی و اجتماعی متناسب با موضوعات زن را ترسیم کردند و شعر زنانه را به اشکال مختلف، برخلاف ذائقه سنتی و تقلیدی شعر مردانه و ارزش‌های قدیمی، تغییر دادند.» (الیحیائی، ۲۰۱۵: ۱۹).

۱-۱-بیان مسأله و سؤالات تحقیق

از آن جایی که ادبیات زنانه در شعر معاصر عربی در دهه‌های اخیر مورد اقبال بسیاری از محققان عرصه ادب پژوهی قرار گرفته است به نظر می‌رسد بتوان با بررسی جایگاه این نوع ادبی در شعر معاصر عُمان، به ویژه در سروده‌های «سعیده بنت خاطر الفارسی» به نتایج ارزشمندی دست یافت. و ویژگی‌ها و شاخصه‌های ادبیات این کشور را مورد کند وکاو قرار داد.پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارتند از:

۱-آیا جنسیت شاعران زن بر زبان شعری آن‌ها اثرگذار بوده است؟

۲- «سعیده بنت خاطر» برای القای چه مفاهیمی از زبان زنانه استفاده کرده است؟

فرضیه‌های پژوهش بر این مبناست که: عنصر جنسیت بر زبان شعری شاعر مورد پژوهش تأثیرگذار بوده؛ و زبان زنانه در شعر بنت خاطر بسیار پررنگ است؛ به عبارت دیگر شعر بنت خاطر زبان‌محور است و زبان زنانه در آن نقش اساسی دارد و شاعر ظرافت‌های زبانی یی را دنبال می‌کند که نگارندگان در جستار حاضر کاربرد این زبان توسط شاعر را با ذکر مثال و نمودار مورد بررسی قرار می‌دهند.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی شعر معاصر عُمان و تحلیل زبان زنانه سعیده بنت خاطر؛ یکی از برجسته‌ترین شاعران و ناقدان معاصر عُمانی می‌باشد. تأثیر خاصی که ادبیات در فکر و فرهنگ مردم دارد، از یک سو و جایگاهی که امروزه زنان شاعر دارند، از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت بررسی شعر زنانه را در جوامع مختلف نشان می‌دهد. این‌که این‌گونه بررسی‌ها می‌تواند تا حد زیادی زوایای پنهان ادبیات یک ملت را آشکار سازد و زمینه شناخت یک متن ادبی و بهره‌گیری بیشتر خوانندگان از آن متون را فراهم نماید، نشان دیگری از اهمیت و ارزش این بحث‌هاست.

۳-۱-روش تفصیلی تحقیق

مبنای این پژوهش بر تحلیل‌های زبان‌شناسی صرف و ارائه‌ی آمارهای جزء به جزء نیست؛ بلکه مجموعه اشعار این شاعر، جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ نگارندگان با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دو سطح متفاوت زبان(سطح واژگانی و نحوی) در شعر زنانه‌ی «سعیده بنت خاطر » می‌پردازند؛ سطح واژگانی که به سه بخش: واژگان (زنانه- مادرانه- تابو) – ترکیبات زنانه و عبارت‌های فعلی زنانه تقسیم شده است؛ واژگان، ترکیبات و افعال با توجه به بافت جمله استخراج شده است. در سطح نحوی نیز با توجه به نظریه‌ی لیکاف، جمله‌های پرسشی – تعجبی و تأکیدی از شعر شاعرموردنظر، استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در مورد شعر زنانه از زوایای گوناگون بحث و بررسی‌هایی به صورت کتاب و مقاله انجام گرفته مانند: «زنانه سرایی در شعر عربی، با تکیه بر دیدگاه‌های عبدالله غذّامی» (۱۳۹۶)، از علی

سلیمی، پژوهش‌نامه زنان، آرای نقدی عبدالله غذامی را در کتاب«تأنیث القصیده و القارىء المختلف» مورد بررسی قرار می‌دهد.

از پژوهش‌های مشابه صورت گرفته در ادبیات عربی، می‌توان به «خصوصیه النسق الأنثوی فی الخطاب الشعری المعاصر» که وجدان عبدالله صائغ (۲۰۰۳) آن را در مجموعه شعری «أغمض أجنحتی وأسترق الکتابۀ» اثر «ریم قیس کبه» را بررسی کرده و جنبه‌های لفظی و شکلی زبان زنانه را مد نظر قرار داده است و با روشی آمارگونه، کلمات و الفاظی را که دارای ویژگی‌های زنانه است، استخراج کرده است. همچنین از این نظر که در مورد شعر معاصر عُمان تاکنون مقاله و پایان نامه‌ای نگاشته نشده و اشعار «سعیده بنت خاطر» در ایران مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است ؛ این همان وجه نوی این پژوهش است که آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد .

۲-ملاحظات نظری پژوهش

۲-۱-زبان زنانه و شاخصه‌های آن

مفهوم زنانه نویسی، بررسی جنسیت در زبان است که به تحلیل تفاوت‌های رفتار زبانی زنان و مردان می‌پردازد؛ مضامین و کاربردهایی که خاص زبان زنان است و تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی زبان زنان و مردان را نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها معمولاً در میزان و بسامد عناصر زبانی خاص است، چنان که بسامد بالای عنصر زبانی خاص مانند جملات کوتاه، به همراه عناصر دیگری که برچسب« سخن زنانه» دارند، باعث می‌شود که متن، زنانه محسوب گردد» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۳۹۸) اما برخی از نظریه پردازان این سوال را مطرح نموده‌اند که آیا زبان ادبی دارای جنسیت است؟ و چیزی به عنوان زبان زنانه در ادبیات وجود دارد؟ در مواجهه با این مسأله چند روایت گوناگون وجود دارد. برخی از نویسندگان مانند« ناتالی ساروت» به تقسیم‌بندی ادبیات زنانه و مردانه قائل نیستند. ادبیات، فقط ادبیات است و جنسیت نویسنده الزاماً در آن دخالت ندارد. « ادبیات زنانه به معنی دقیق کلمه وجود ندارد همان گونه که نمی‌توان از موسیقی زنانه یا فلسفه زنانه سخن گفت»(ساروت،۱۳۶۴: ۳۲) اما برخلاف نظر «ساروت»، « لیکاف» معتقد است سبکی اختصاصی یا زبانی زنانه وجود دارد که شامل ویژگی‌های زبانی معین است و حاکی از متفاوت بودن و فقدان اقتدار است. او تفاوت‌هایی را میان زبان زنان و مردان مطرح می‌کند؛ از جمله این که زنان بیشتر از

مردان حرف می‌زنند و موضوعات گفتگویشان متفاوت است. آن‌ها اجازه می‌دهند تا متکلم بر محاوره چیره شود. زنان با کلمات و جملات کوتاهی مثل راست می‌گویی؟ چه خوب و...متکلم را تشویق می‌کنند، استانداردهای زبان را بیشتر رعایت کند و به مخاطبشان احترام می‌گذارند، همچنین زنان از زبان استفاده می‌کنند تا مکالمه اجتماعی ایجاد کنند و حرف بزنند و مثل مردان رقابتی عمل نمی‌کنند(مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۰۸). این اعتقاد « لیکاف»، تأییدی بر نظریه محققان جامعه‌شناسی زبان از جمله « یاکوبسن» است که معتقدند مهم‌ترین هدف زبان، برقراری ارتباط است. در این دیدگاه، زبان پدیده‌ای اجتماعی است که از دیرباز موضوع مورد مطالعه انسان‌ها بوده است. پس همبستگی عمیقی بین ساختارهای زبانی وساختارهای اجتماعی وجود دارد. پژوهشگران جدید زبان شناسی فمینیست نیز، به جای تعمیم دهی شاخص‌های زنانه به متون زنان، به بررسی حوزه‌ای و منطقه‌ای روابط و هویت جنسیتی و الگوهای جنسیتی کاربرد زبان که براساس اجتماعات مشخص شکل می‌گیرد، پرداخته‌اند. (کامرون، ۲۰۰۶: ۳۷۴۶) بر این اساس ویژگی‌هایی هست که وجود چند مورد آن در یک متن زنانه، امکان نامیدن زنانهٔ آن اثر را فراهم می‌کند و براساس گفتهٔ« کامرون »وجود و نوع این ویژگی‌ها براساس ارزش‌ها و مطالبات جامعهٔ مورد نظر است. به عنوان مثال این ویژگی که زنان در تولید ساختارهای نحویِ پیچیده مانند جملات مرکب وابسته ناتوان‌اند و میزان ساخت‌های همپایه در سخن آنان زیاد است(گرین و لبیهان، ۱۳۸۳: ۶۸).

۳- سیر تحولی شعر زنانه در ادبیات معاصر عُمان

فرهنگ دارای ابزارهایی است که با آن از زیرساخت‌های رایج خود دفاع می‌کند. فحولیت و مردسالاری یکی از زیرساخت‌های غالب در فرهنگ قدیم عرب است. به سبب سلطهٔ این زیرساخت غالب، تلاش‌های فروانی در جهت جلوگیری از رشد زیرساخت مؤنث در اجتماع و بخصوص شعر عرب صورت گرفته است. بدین معنا که از طرفی، نمونه‌های شعریِ مردانه را علو و بزرگی قلمداد می‌کرد و صاحب آن را فحل می‌نامید و از طرفی دیگر، شعر زنانه و زنانگی در شعر را با دیدهٔ حقارت می‌نگریست. (غذّامی،۲۰۰۵ :۷۴). این سیطرهٔ مردانه در فرهنگ شعری عرب، باعث شده است که صدای زنان در طول پانزده قرن شعر عربی به گوش نرسد و شاعر برجسته‌ای که نماینده زنان، احساسات و خواسته‌های آنان باشد، ظهور نکند(برهومه، ۲۰۰۲: ۳۷).

اولین جنبش‌ها در میان مردم عرب، برای پررنگ ساختن حضور زنان و نجات آن‌ها « از زیر دندان خلیفه‌ها» آغاز شد(قبانی،۱۳۶۳: ۴۷) و آغاز فعالیت‌های ادبی زنان عُمانی، به قرن نوزدهم برمی‌گردد. هنگامی که « سالمه بنت سعید » کتابی را با عنوان « مذکرات أمیره عربیه » در برلین سال۱۸۸۶م منتشر کرد. او در این کتاب، زندگی، جوانی، ترک وطن وعشق به آن را توصیف می‌کند و تصاویر مختلفی از دو جامعه شرقی و غربی را ارائه می‌کند؛ شرق که در آن به دنیا آمد و رشد کرد و غرب که در آن بقیه عمر خود را گذراند اما رونق و شکوفایی فرهنگ و ادب زنانه معاصر عُمان، به ۱۹۸۰ بر می‌گردد و ۱۹۹۰ دوره فعالیت ادبی، نوآوری و ابداعات خلاقانه برای زنان عُمانی بود؛ هم در شعر و هم در نثر و شاعران زیادی مشهور شدند از جمله: سعیده بنت‌خاطرالفارسی، زکیه البوسعیدی، هاشمیه الموسوی، نورا البادی، سمیره الخروصی، نسرین البوسعیدی و...(الشارونی،۱۹۹۰: ۱۱۹).

۴- معرفی یکی از پیشگامان شعر زنانه عُمان

۱-۴- سعیده بنت خاطرالفارسی

شاعر و ناقد عُمانی که سال« ۱۹۵۹م » در شهر « صور» عُمان به دنیا آمد و در سال(**۱۹۷۷م)** از دانشگاه کویت، لیسانس زبان عربی دریافت کرد و در سال (**۱۹۹۴م)** تحصیلاتش را در مقطع فوق لیسانس با پژوهشی درباره « الشعر العُمانی فی عصر النباهنه» در دانشکده دارالعلوم قاهره ادامه داد و در سال ۲۰۰۲ رساله دکتری خود را در نقدعربی، بلاغت و ادبیات تطبیقی با موضوع « الإغتراب فی شعر المرأه الخلیجیه» در همان دانشکده دفاع کرد.(بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۱۴۱)

دیوان های شعری او عبارتند از: «مازلتُ أمشی علی الماء»، «أغنیات للطفوله والخضره»، «إلیها تحجّ الحروف»، «قطوف الشجره الطیبه»، «وحدک ....تبقی صلاۀ یقینی»، «مدٌّ فی بحر الأعماق» کتاب‌های نقد ادبی او عبارتند از: «سوسنه المنافی؛ حمده خمیس و تحولات الاغتراب السیاسی»، «سعاد الصباح بین الاستلاب والاغتراب»، «انتحار الأوتاد؛ دراسه فی اغتراب سعدیه مفرح»، و «علی شفا حفره- دراسه الاغتراب الصوفی لدی زکیه مال الله».

۵- تحلیل زبان زنانه در شعر سعیده بنت خاطر

شعر از یک سو دارای ظرافت، لطافت و پیچیدگی‌هایی است که درک آن مستلزم شناخت زبان شاعر و درک نوآوری‌های ادبی متن شعری است و از سوی دیگرفعالیت‌های اجتماعی و تفاوت‌های زیست شناختی بین زنان و مردان، سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌شود بنابراین برای فهم بیشتر و دقیق‌تر اشعار شاعران باید با ویژگی‌های زبانی آنان آشنا باشیم. علاوه براین شاعر مورد پژوهش، پرورش یافتهٔ فرهنگ عربی است و تحلیل و بررسی زبان زنانه در شعر و اندیشه وی می‌تواند گوشه‌ای از زوایای ادبیات معاصرعربی بویژه شعر زنانه عُمان را روشن‌تر کند. زبان زنانه در شعر این شاعر در دو سطح (واژگانی و نحوی) بررسی می‌شود.

۱-۵- سطح واژگانی

این سطح از زبان شعر به سه شاخه (واژگان- ترکیبات – فعل و عبارت‌های فعلی) تقسیم می‌شود و گرایش‌های جنسیتی شاعر براساس نمونه‌های شعری و نمودار هایی تطبیق داده خواهد شد.

۱-۱-۵- واژگان

درصد زیادی از واژگانی که در هر زبان به کار می‌رود بر اساس تفاوت‌های موجود بین زبان‌های مختلف، قابل تشخیص است و جنسیت، عامل مؤثر و کارآمدی است که نشان می‌دهد زبان زنان و مردان با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. طبیعی است که تعداد قابل توجهی از این تفاوت‌ها را در واژه‌ها جستجو کنیم. به دلیل گستردگی موضوع، واژگان در سه بخش مجزا (زنانه- مادرانه و تابو) بررسی می‌شود .

الف: واژگان زنانه

واژگان زنانه، کلمات و اصطلاحاتی است که براساس آن‌ها می‌توان گفت اثر متعلق به یک زن است. واژگان و مفاهیمی که به‌طور کلی در ارتباط با زن، معنای بیشتری می‌گیرند و قراردادهای

فرهنگی، آن را ویژه زنان می‌داند و در متن به همراه دیگر عناصری که دال بر زنانگی باشد، متن را به اثری زنانه تبدیل می‌کند.

سعیده بنت‌خاطر اندیشه‌های زنانه خود را در بیشتر سروده‌هایش منعکس ساخته تا در تازگی اندیشه و مفاهیم زنانه، از دیگر شاعران متمایز باشد. از لحاظ ویژگی‌های زبانی نیز، واژگان زنانه و درخور ارزش زن به کار برده است تا روح و ویژگی زنانه خود را در این واژگان متجلی سازد.

چند نمونه از واژه‌های زنانه‌ای که وی در راستای القای مفهوم شعر به مخاطب از آنها بهره برده است، عبارتند از:

– « النساءُ فی شرقنا../ للنسلِ للحرثِ للبهجةِ للبهاءْ» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۹۷)؛ ترجمه: «زنان در شرق/ برای زاد و ولد برای پرورش برای شادابی و زیبایی هستند» ؛ «و المرأةُ أسطورةُ النقابِ و الخمارْ/ أسیرةُ السادات والعاداتِ والرایاتِ» (همان: ۹۹)، ترجمه: «زن اسطوره ی حجاب و عفت است/ زندانی بزرگی‌ها و عادات، آداب و رسوم است »

به طورکلی، واژگان این حوزه‌ها، تأثیر جنسیت را بر انتخاب واژه‌هایی خاص از سوی زنان، نشان می‌دهد حتی زمانی که در برخی واژه‌های کاربردی گرایش‌های جنسیتی مشاهده نمی‌شود، به دلیل هم‌نشینی با واژگان دیگر در بافت جمله، بیانگر تمایلات و تمایزات زنانه است. واژه‌هایی مثل آغوش، پرده، روبند، و ...از این دسته‌اند. همچنین ممکن است کاربرد برخی از این واژگان پیش‌تر به صورت موتیفی نمادین در شعر شاعران زن، ذهنیت تعلق آن واژگان را به حوزه زنانه ایجاد کرده باشد مثل «خامسه العدویه » در شعری از بنت خاطر که به انتقاد از زن معاصر می‌پردازد و با زبانی تمسخرآلود وی را به این نام می‌خواند؛ واژه (حضن) مفهومی خاص را منتقل می‌کند که در بافت جمله معنا می‌یابد و همین امر کاربرد این واژه را به نوعی به حوزه زنانه می‌راند: «ترقدُ فی حضنِ دیناصورِ / من العصرِ الجلیدی / سیبریا التصحر تنتقل إلیها/ تهرب إلی دار من زجاج خیالها / نوافذها تتکهربُ / برغباتٍ متوحشةٍ تکدستْ / تحت نقابٍ کثیفٍ من التمثیلِ / تُری متی تعترفُ/ بأنها لیست خامسةَ العدویةِ !!»(بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۶۷) ترجمه: «در آغوش دایناسور می‌خوابی/ در عصر یخبندان/ به بیابان‌های سیبری می‌روی/ و به سوی کلبه شیشه‌ای خیال فرار می‌کنی/ که پنجره‌هایش برق می‌زنند / با آرزوهای وحشت‌آور و ترسناکی/ که زیر لایه انبوه تمثیل‌ها انباشته شده اند / دیده می‌شوی پس کی شناخته می‌شوی؟/ تو عدویه پنجم هستی!»

استفاده از واژگان زنانه در اشعار بنت‌خاطر برای بیان مقاصد متفاوتی به کار گرفته شده است مانند:

۱- مخالفت با اندیشهٔ مردسالار

بنت‌خاطر از واژگان زنانه برای بیان مضامینی همچون اعتراض به وضعیت نامطوب زنان در جامعه، توجّه به آزادی زنان و تساوی حقوق آنان با مردان، مخالفت با سنت‌های دست و پاگیر، توجّه به جنگ و عواقب آن، استفاده کرده‌است. او در قصیده « إمرأتان» با نگرش و زبانی ویژه از حقوق زنان دفاع می‌کند؛ از زمانی که زنان را به دوردست‌ها پرتاب می‌کنند می‌گوید: « هی امرأةٌ../ تتآمرُ ضدَها الأزمنةُ/ تقذفها إلی رکنٍ قصی/ فی مجرةِ البعدِ القسری » (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۵۵) ترجمه: « او زنی است / که زمان‌ها علیه او توطئه می‌کنند/ و او را به دوردست‌ها می‌افکنند» همچنین قصیده « امرأه واحده لا تکفی» مانیفستی است که از یک تجمع اعتراض آمیز زنانه با هدف مبارزه با تفکر مردانه‌ای صادر می‌شود که همواره بر جامعه عربی و شرقی سیطره داشته است. اما به عقیده برخی ناقدان « این قصیده دوگانگی صدایی(مردانه / زنانه) دارد. این چندصدایی، رؤیاها و دیدگاه‌های مختلف را به خواننده القا نمی‌کند بلکه وحدتی را کشف می‌کند که از یک دیدگاه زنانه سرچشمه می‌گیرد و با دیدگاه مردانه و پدرسالار مبارزه می‌کند. همان تفکری که برای مدت طولانی، نقش زن عربی را نادیده گرفته است. (شحات،۲۰۰۹: ۲۴) : « النساء فی شرقنا/ للثکل.. للترمل.. للقهر.. للتکحل/ » ترجمه: « زنان در شرق / نماد گریه، بیوه شدن...شکست... آرایش هستند»؛ « الرجال فی شرقنا../ للحرب للهمّ للسجن لنزف الکبریاء/ امرأة واحدة لا تکفی لترمیم هذا الشقاء» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۹۸) ترجمه: « مردان در شرق / نماد جنگ، غم و غصه، زندان/ یک زن برای جبران این بدبختی کافی نیست».

به طور کلی با مطالعه دیوان بنت خاطر این نتیجه حاصل می‌شود که وی دلی مالامال از درد تبعیض و نابرابری حقوق زنان در جامعه عربی دارد و اثرات این تفکر فمنیستی در جای جای اشعارش به چشم می‌خورد.

۲- بیان مفاهیم دینی

بنت خاطر حتی برای بیان مفاهیم دینی از واژه‌هایی کاملا زنانه استفاده می‌کند به عنوان مثال: شاعر با زبانی زنانه این‌گونه خدا را می‌خواند: «إلهی أثبنی طیبَ الأصول/ وأکرمنی فی بکریَ الأول»

(بنت‌خاطر، ۲۰۰۳: ۱۹) ترجمه: « خداوندا نژادی پاکیزه به من عطا کن/ و در اولین بارداری مرا گرامی دار»، و در قصیده «صوره النساء» این سخن پیامبر(ص) که«بهشت زیر پای مادران است» را به ذهن تداعی می‌کند: «هکذا تبعثرت فواکهُ النساء/ لتعتقَ خوابیءَ الارض/ و تُضوِّءَ مواکبَ السماء/ حتی الجنه تنزلت علی صَهوهِ أنوارها/ مخبئهً بشائرَها تحت أقدامِ النساء»(همان: ۲۷) ترجمه: «این چنین میوه‌های زنان پراکنده شد/ برای این که نهان زمین را ارزشمند کند/ موکب آسمان را نورانی کند/تا این که بشارت های بهشت را / زیر پای مادران پنهان کرد.»

۳- بیان احساسات

یکی دیگر از مسایلی که باعث شده است زنان شاعر از زبان ویژه خویش برای بیان تجربه‌های زنانه، مسائل عاشقانه، بیان غم و اندوه، انزوا و تنهایی، فراق و جدایی و بیان احساسات عمیق درونی استفاده کنند؛ نشان دادن منِ فردی شاعران زن است که متأثر از منِ اجتماعی آنان است و موجب می شود که شاعر به خواسته‌های فردی نیندیشد؛ بلکه به همه زنانی بیندیشد که سرنوشتی همانند او دارند. بدین ترتیب می‌توان گفت که مضامین ناشی از نگرش خاص زنان شاعر به زندگی و اجتماع، جلوه‌های گوناگونی دارد که در اغلب موارد، از طریق زبانی که دارای گرایش‌های جنسیتی است، بیان شده است. به عنوان مثال بنت خاطر برای پر رنگ کردن بُعد رمانتیک شعرش از واژگان زنانه برای بیان مضامین حسی- عاطفی کمک می‌گیرد: «کلُّ یومٍ یقطفُ الرَّبُ فاکهه الرحمه/ لیسقطها فی قلوبِ النساء/ کلُّ یومٍ تتساقطُ حتی تکورتْ أجسادُ النساء/ بساتینَ فاکهٍ تحمل أعراس الخصبِ»«بنت خاطر،۲۰۰۹: ۳۲) ترجمه: « خدا هر روز میوه رحمت را می‌چیند / تا در قلب زنان بیندازد / هر روز پیاپی می‌افتد/ تا جسم زنان بستان‌های میوه‌ای را که عروس باروری را حمل می‌کند در خود شکل دهد»؛ « تعانق دمعتی الضحکهٔ / و تختال کما الملکهٔ / یصهل وهج الرغبات / أفتح له نوافذ الروح / انهمرت أنهار الفضهٔ » « بنت خاطر،۲۰۰۵ : ۲۲» ترجمه: « اشکم خنده را به آغوش می‌کشد/ و همچون فرشته‌ای خودنمایی می‌کند/ و درخشش آرزوهایم شیهه می‌کشد/ پنجره‌های روح را برای او باز می‌کنم/رودهای نقره‌ای سرازیر شد»؛ « إذا لاحَ ومضُکِ بین الدماءْ/ أضاءتْ سماءٌ و طلتْ سماءْ/ تدفقَ وجدٌ لعشقٍ نمی/ یراقصُ سوسنهً من بهاءْ/ یبعثرُ ما خبأتَـه الضلوعُ/ باحضانِ لیلٍ ترقرقَ فیه حنینُ اللقاء » (همان: ۲۸) ترجمه:« آن‌هنگام که نور تو میان خون درخشید/ آسمان پرتوافشانی کرد و شبنم بارید/شور عشق جوشید/ سوسن از زیبایی به رقص

می‌آید/ و هر آنچه را که سینه‌ها پنهان کرده‌اند پراکنده می‌کند/ با آغوش شبی که درآن اشک و اندوه دیدار جاری گشت»

ب-واژگان مادرانه

مهر و محبت مادرانه اصیل‌ترین و رسمی‌ترین عاطفه زنانه است که فرهنگ مردسالار نیز همواره آن را ستایش کرده و اعتبار زنان در طول تاریخ به واسطه این عاطفه به رسمیت شناخته شده است. اما تا پیش از مشروطه در ایران و ظهور اندیشه‌های قاسم امین در کشورهای عربی، نمودی نیافته است. شاید « کم اهمیت دانستن احساسات زنانه و خود ضعیف پنداری زنان باعث شده که در طول تاریخ زن شاعر تمایل داشته باشد با عنصر مسلط اجتماع یعنی مرد، همانند سازی کند و به مسائلی مهمتر از دل نگرانی‌های شخصی خود بپردازد و در واقع از طرح آن شرم داشته باشد» (سلدن، ۱۳۸۴: ۲۵۵). واژگان مربوط به بارداری و زایمان که از تفاوت‌های فیزیولوژیکی و زیست شناختی مردان و زنان ناشی می‌شوند در شعر بنت خاطر نمود ویژه‌ای دارد به عنوان مثال: یکی از قصائد زیبا و تأمل برانگیز بنت خاطر قصیده « أمومه» است که در آن سعی در رد الگوهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مردسالار با تمام ارزش‌ها و سنت‌های آن دارد(الیحیایی،۲۰۱۵: ۲۱). « شعری دراماتیک وآینده‌نگر؛ دغدغه‌های مادری که می‌پرسد فرزندش در آینده چگونه خواهد بود؟ او با تقسیم متن شعر به سه بخش، مراحل مادری را توصیف می‌کند: زایمان، تولد، فرزندپروری» (الشارونی، ۱۹۹۰: ۱۲۰). شاعر در این قصیده علاوه بر به کار بردن اصطلاحات و واژگان زنانه چون زایمان، طلاق و جنین، از نه ماه بارداری، سختی‌ها، رنج‌ها، احساسات یک مادر و آرزوهای او می‌گوید و از طوفان سهمگین درد زایمان فریاد می‌زند: «وحین تزمجرُ ریحُ المخاضِ/ تلاطمُ أمواجُها مرکبی/ شعرتُ بنوباتِ شبهِ الجنونِ/ و موجاتِ صخَبٍ إلی الأصخبِ /تُقطعُ ما بین هذا الوجودِ / و بینی فلم أدرِ ما مذهبی/ کأنَّ یدُ البطشِ دارتْ رحاها / تدکُ عظامی بلا موجبِ» (بنت‌خاطر، ۲۰۰۹: ۵۷)

ترجمه: « آن هنگام که طوفان زایمان وزید / امواجش، زورق وجودم را متلاطم کرد/ و لرزش‌های دیوانه‌واری را حس کردم/ موج در موج هجوم می‌آوردند/ و آنچه را که میان من و او بود قطع

می‌کرد / در حالی‌که حتی نمی‌دانستم مذهبم چیست/ گویی دست مرگ، آسیابش را حرکت می‌داد / و بی‌دلیل استخوان‌هایم خرد می‌شد.»

حتی عنوان برخی از سروده‌های وی مانند: (الحفیده، إمرأتان) نشانگر این مفهوم است که سرایندهٔ شعر یک زن است.

ج- تابوهای زبانی

تابوهای زبانی عبارتند از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در هر زبان دارای صورت یا مفهومی ناخوشایند، نا مطلوب یا غیر مؤدبانه است. به همین دلیل اعضای جامعه زبانی از کاربرد صریح و مستقیم آن اجتناب می‌کنند (مدرسی،۱۳۸۷: ۷۹). در بین زنان و مردان تفاوت‌هایی در کاربرد یا عدم کاربرد این گونه زبانی دیده می‌شود. زنان در برخورد با این واژگان محتاط‌تر عمل می‌کنند. نوع واژگان به کار برده شده به وسیله‌ی این دو گروه جامعه نیز تا حدودی متفاوت است. (فیاض، ۱۳۸۵: ۴۹)مردان بیش از زنان از این واژه‌ها استفاده می‌کنند و حتی موضوع این تابوهای زبانی متفاوت است. زنان تابوهای زبانی را که بیشتر مربوط به حوزه‌های بیماری، مرگ، حالات روانی- جسمی و خانواده است به کار می‌برند و کمتر از تابوهای جنسی استفاده می‌کنند. در همین رابطه، مردان عکس زنان رفتار می‌کنند و بیشترین میزان استفاده آن‌ها از تابوها مربوط به حوزه‌های جنسی، خانوادگی می‌باشد و این امر نشان دهنده آن است که کاربرد تابوهای زنان و مردان بر اساس انتخاب حوزه‌های واژگانی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است(ارباب،۱۳۹۱: ۱۲۳).

هشام عبدالتواب در مقدمه کتاب « من بین ثقوبی أُورقُ» از بنت خاطر می‌نویسد:« او با جادوی کلمات، حقیقت زن عربی را نشان می‌دهد؛ مهمترین ویژگی‌های آن‌ها، حسادت و غرور زنانه را به تصویر می‌کشد و الهامات و لایه‌های جنسی زنانه را با واژه‌هایی چون: (بدن، رقص، تختخواب، باروری، برهنگی، فریبنده، برهنه و...). آشکار می‌کند و البته منعکس کننده حریم خصوصی و برخی صحنه‌ها و روابط پنهانی و خاموش در مورد آن است. بنابراین از کلماتی که مختص حریم خصوصی در جامعه است استفاده می‌کند(بنت خاطر، ۲۰۰۶: ۶). به عنوان مثال واژه « تختخواب» : « هذا الرجلُ النائمُ فی سریری/ یُجَرّحُ عزلتی حینا / یخربشُ جسدی حیناً آخر/ هذا الرجلُ العاری النائمُ فی سریری/ لا أعرفه » (همان: ۲۶) ترجمه: « این مرد در تختخواب من خوابیده/ گاه‌گاهی عزلت

تنهایی‌ام را جریحه‌دار می‌کند/ و گاهی هم جسمم را ویران می‌کند/ این مرد عریانِ خوابیده در تختم/ را نمی‌شناسم » شاعر کلمه «الخصوبه » و « باروری» را از زنانگی خود وام می‌گیرد و در فرمی و چارچوبی خاص نشان می‌دهد: «کانتْ خیلاءُ الأنوثةِ / تزهو بخصوبتها/ فألهتُه بالتکاثرِ / حتی زارَ غفوةَ المقابرِ/ فجأةً رأتْ.. »(بنت خاطر، ۲۰۰۶: ۷) ترجمه: « تکبر زنانه / با باروری خودنمایی می‌کند / و الهه باروری روبه فزونی است/ تا زمانی‌که به دیدار گورستان برود»

۱-۲-۵- ترکیبات زنانه

در این بخش ترکیبات وصفی و اضافی که جنسیت شاعر زن بر انتخاب آن تأثیرگذار بوده است و نشانی از گرایش‌های زنانه دارد استخراج و گردآوری شده است، مثلا بنت خاطر در قصیده « إمرأتان» با قراردادن ترکیباتی مثل (مداراتُ أنوثتها، لسعاتُ الأمومةِ)، در کنار جمله‌های هماهنگ شعر، تأثیر جنسیت را بر کاربرد ترکیبات شاعرانه و مادرانه، هنرمندانه ترسیم می‌کند: « بابتسامةِ عینیکَ/ تختارُ الأسرَ الأبدی/ ... تتسع مداراتُ أنوثتها/ لها لسعاتُ الأمومةِ » (بنت‌خاطر، ۲۰۰۹: ۵۸)ترجمه: « با لبخند چشمانت/ اسارت ابدی را انتخاب می‌کنی/... دایره‌های زنانگی‌ات را وسعت می‌دهی/ با بوسه‌های مادرانه‌ات»

سایر ترکیبات زنانه: « حین تزمجرُ ریحُ المخاضِ /تلاطمُ أمواجُها مرکبی »(بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۲۴)، « فیتنصرُ علی یدیه الترابُ/ یخشی أن تستولدَ المجدَ أرحامُ النساء» (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۹۷)؛ (و العشقُ تجری نهوره/ بنکهةِ النساءِ »(همان: ۹۸)؛ « و تکتحل فی شلالاتها رموشُ الصباحِ / و تنزع عنها عباءةَ الطیشِ المزخرفِ»(همان: ۳۸)

۱-۳-۵- فعل و عبارت‌های فعلی زنانه

در بررسی شعر بنت‌خاطر، عبارت‌های فعلی و افعالی استخراج شد که این شاعر متناسب با جنسیت خود انتخاب کرده است برای مثال وی با ترکیب قرآنی و کاربرد فعل زنانه – حملتک– می‌گوید: « هلالٌ یشکلُ وجه الصبی/ حملتُکَ وهناً علی الوهنِ کرهًا » (بنت خاطر،۲۰۰۹ : -۲۴ ۲۷) ترجمه: «رخسار کودکم چون ماه بود/ با سختی و سستی تو را حمل می‌کردم» همچنین او در قصیده «خمسهٔ عشر» همراه با زنان افسانه ای مصر باستان «اوزوریس»؛ الهه طبیعت و «ایزیس» الهه‌ی زیبایی و مادر، از افعال زنانه‌ای مانند: (تحیکُ- تتناسلُ -نتوالدُ) استفاده می‌کند و ظرافت هنری یک شاعر زن را به زیبایی نمایان می کند: « هنااااک ایزیسُ تحیکُ قمیصَ الرغبات/ یعودُ

أوزوریسُ ربیعاً تتناسلُ بهجته فی العیونِ/ نتوالدُ آلهةً للاخضرارِ/ خمسةَ عشرَ لونا» (بنت خاطر،۲۰۰۹ : ۵۳) ترجمه: « ایزیس پیراهنی از آرزوها را می‌بافد/ بهار با اوزوریس باز می‌گردد و شادی را در چشمان همه به‌وجود می‌آورد/ خدایان سرسبزی متولد می‌شوند/ در پانزده رنگ»

در قصیده « إمرأتان» شاعر با ترکیبی از افعال و کلمات تأثیر جنسیت را بر انتخاب واژه‌هایی خاص از سوی زنان، نشان می‌دهد : « هی امرأةٌ ترتعُ فی زوایا/ النصیبِ والقسمةِ/ تتقلبُ فوق أسرَّةِ الضلوعِ/تنامُ تحت أجنحتک الظلیلةِ/ تتنسمُ عبیرَ فحولتِک/ مترعةٌ أنوثتُها بالخصبِ/ یتوردُ ثدیُها بالسقیا» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۵۵) ترجمه: « او زنی است که در زوایای بهره‌مندی می‌چرد/ در بالای استخوان‌های پهلو می‌چرخد/ زیر بال‌های پُرسایه تو می‌خوابد / و بوی خوش مردانگی‌ات را استشمام می‌کند/ زنانگی‌اش با ناز و تنعم لبریز می‌شود/ و سینه‌اش با سیراب شدن گل می‌کند».

۲-۵- سطح نحوی زبان زنانه

سطح نحوی زبان زنانه در این جستار بر اساس نظرات لیکاف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برهمین پایه او تأکید می‌کند که زنان بیش از مردان از جمله های پرسشی و تأکیدی استفاده می‌کنند؛ بنابراین تفاوت زبان زنان و مردان، را در سطح نحوی در کاربرد فراوان این جملات از سوی زنان می‌داند. بدین ترتیب، یکی از نکته‌های قابل توجه این است که « جمله‌های پرسشی و تأکیدی، پیش از آن که به جنسیت مرتبط باشد، با قدرت در پیوند است. در نوشتار مردانه نیز در مواجهه با قدرت(به ویژه سیاسی)، این گونه ساختارها بیش تر نمودار می‌شوند و قابل انتظار است که در زبان زنان نیز که همواره در رویارویی با قدرت مردان بوده اند، این نوع کاربرد جمله‌ها شاخص‌تر باشد» (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۳). در نتیجه در این بخش، بسامد و نوع کاربرد جمله‌های پرسشی و تأکیدی در شعربنت‌خاطر مورد بررسی قرار می‌گیرد و به برخی از نقش‌های معنایی- منظوری جملات استفهامی اشاره می‌گردد.

۲-۱-۵-جملات پرسشی

زبان شناسان معتقدند زنان به دلیل گفتمان دیالکتیک و مکالمه‌گری، در پایان جملاتشان پرسش‌هایی مطرح می‌کنند تا نظر مخاطب را بفهمند و این حاکی از جنبهٔ تأیید طلبی زنان است.

آنها با پرسیدن سؤال به دنبال کسب موافقت یا تأیید از سوی مخاطب هستند؛ یعنی زن‌ها بیشتر روحیه تسلیم بر کلامشان مسلط است(Brend 1975:867 و الحمدانی،۲۰۰۷: ۲۴۷) و پرسش‌گری در گروه زنان عموما با جمله‌های کوتاه پرسشی(مگه نه؟اینطور نیست؟) ساخته می‌شود. به ویژه هنگامی که در مسیر مکالمه تکرار شود، بیش از آن که به منظور کسب اطلاعات از سوی مخاطب باشد، برای ایجاد ارتباط با مخاطب است و نوعی فضای مشارکت را فراهم می‌آورد . در مجامع رسمی نیز طرح سؤال از سوی زنان معمولا جنبه حمایتی دارد و به پیشبرد سیر گفتگو کمک می‌کند. لیکاف این موضوع را به صورت دیگر تحلیل می‌کند و بین ویژگی‌های زبانی و موقعیت اجتماعی زنان، نوعی رابطه مستقیم متصور است و اعتقاد دارد « عدم قاطعیت در گفتار این گروه که به صورت طرح سؤال نمایان است، با عدم اطمینان آنان از اوضاع جایگاه اجتماعی متزلزلی که در آن قرار دارند ارتباط دارد» (لیکاف،۱۹۷۵: ۷۳).

بنت خاطر به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در جامعه خویش دارد برای بیان مسایل سیاسی و اجتماعی با گفتاری قاطع، جملات پرسشی را در مفاهیم بلاغی بکار می‌برد. از این‌رو به برخی از نقش‌های معنایی–منظوری این نوع جملات مانند تمنّی و آرزو، شک و تردید، شکوه و شکایت و... در ذیل به صورت گذرا و کلی اشاره می‌شود.

شاعر در قصیده « بلبله» برای بیان حوادثی که در کشورهای عربی و مخصوصا لبنان می‌گذرد با استفاده از ساختار پرسشی متناقض، مخاطب را به تأمل و درنگ، دعوت می‌کند، گویی آن چه را که قصد دارد به خواننده منتقل کند، در ساختار پرسشی و از منظر بلاغی در قالب « تردید و انکار » بیشتر محقق می‌گردد: « النار فی برکان ثائر/ کنّا ننفس عمّا یذکی/فی القلوب و فی المحاجر/ عن ثورة الأحرار تغلی/ تدوی و تنخر فی الضمائر عن صرخه مکبوته / قل بربک من نحاذر؟/ و الیوم ماذا؟ قل بربک/ أم الغزاة؟ أم العساکر؟/ أهو الصدیق؟ أم العدو؟ / أم الرزین؟ أم المغامر؟/ أهو القریب؟ أم البعید؟» (بنت خاطر،۲۰۰۴: ۳۵). ترجمه: «آتش آتشفشان شعله‌ور است/ و ما نفس می‌کشیدیم/ از شعله‌های برافروخته‌ی قلب‌ها و سینه‌ها/ و انقلاب آزادگان از آن می‌جوشید/ فریادهای سرکوب شده به سر و صدا افتادند/بگو تو را به پروردگارت از چه کسی دور شویم؟/

بگو به پروردگارت قسم/امروز چه روزی است؟/ این‌ها جنگجویند؟ یا لشگریانند؟/ دوست اند یا دشمن؟/ ثابت است یا ماجراجو؟ نزدیک است یا دور؟ »

حتی عنوان برخی از قصیده‌های بنت‌خاطر مانند: «أتدری لماذا؟»، «أین عصاک یا موسی؟»، «لماذا؟» جملات پرسشی است و در طول قصیده بارها این پرسش‌ها تکرار می‌شود گویی شاعر با کاربست این ترفند هنری، خواننده را به دنبال یافتن پاسخ به خوانش شعرش تشویق می‌کند. برای نمونه او در قصیده « أین عصاک یا موسی؟» با اسلوب مجازی استفهام و در نقش معنایی- منظوریِ تمنّی و آرزو، محقق شدن وحدت عربی را در سر می‌پروراند: « أین عصاک یا موسی؟/ فقد یَبسَ الکلام/ و یومَ ضربتَ الصخرَ/ فانبجست منه اثنتا و عشرونَ فتنه کبری/ لم یعلمِ الرعاهُ مشربَهم/ بین الملح و الانقسام/قلتَ أشربوا نخبَ وحدتکم» (همان: ۴۳) ترجمه: « ای موسی عصایت کجاست؟/ چشمه‌ی سخن خشکید/ روزی که عصایت را به صخره زدی/ از آن بیست و دو فتنه‌ی بزرگ جوشید/ چوپانان آبشخورشان را نمی دانستند/ میان شوری و شکاف/ گفتی از چشمه‌ی وحدت بنوشید»

شاعر در قصیده « العاشره سیمفونیه»، از معانی مجازی استفهام (مفهوم شک و تردید) را به خواننده القا می‌کند: « العاشره سیمفونیه یعزفها ربیعُ القلبِ/ العاشرهُ...؟!/ هل نحنُ السیمفونیهُ العاشرهُ التی أضاعَها/ بیتهوفن.!!؟) (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۱۱۲) ترجمه: « سمفونی دهم که بهار دل‌ها آن را می نوازد/ دهم؟! / آیا ما سمفونی دهمی هستیم که بتهوون آن را تباه کرد» در جمله فوق شاعر با پرسش واژه « دهم»؟ و تکرار جمله‌ی « سمفونی دهم» خواننده را به شک و تردید می‌افکند و با آن‌که بتهوون، موسیقی‌دان و آهنگساز برجسته‌ی آلمانی، نُه سمفونی از خود به جا گذاشته، شاعر سمفونی دهم را عشقی می‌داند که دل‌ها را به جوشش و خروش وا می‌دارد.

یکی از کارکردهای معنایی-منظوری استفهام در شعر بنت خاطر، شکوه و شکایت از اوضاع و احوال روزگار است که در ضمن قصیده‌ای این گونه متنبی را مورد خطاب قرار می‌دهد: « أبا الشعراء هل للشعر صوت/ بحنجرتی و قد خرس المغنی/ أرقت دمی علی" الشرف الرفیع "/ و ما أبقیت قربانا لفنی » (بنت خاطر، ۲۰۰۳: ۱۰۹). ترجمه: « ای پدر شاعران: آیا برای شعر صدایی هست؟/ در حنجره من در حال ی که آوازه خوان گنگ شده است/ خونم را به پای شرافت بلند ریختم/ و قربانی ای برای شعرم باقی نگذاشتم».

۲-۲-۵- جملات تعجبی

در مقابل خشونت واژگانی که ویژگی رفتار زبانی مردان در نظر گرفته می‌شود، زنان تمایلی به کاربرد اصطلاحات و عبارات تعجبی و ندایی خاص دارند که از ویژگی‌های شاخص رفتاری آنان محسوب می‌شود.(جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۹) جملات و عبارات عاطفی تعجبی را به دو گروه مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند: گروه اول آن‌هایی هستند که با جنس مؤنث و ویژگی‌های بیولوژیکی او مرتبطند؛ مثل« شیرمو حلالت نمی‌کنم» گروه دوم اصطلاحاتی هستند که با جنس مؤنث ارتباطی ندارند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴:۴۱۳)بنت خاطر در شعر« امومه» از جملات تعجبی گروه اول استفاده می‌کند؛ یعنی شاعر با زبانی زنانه ترس‌ها و دلهره‌های نزدیک شدن زمان زایمان یک زن را به تصویر می‌کشد: « و لمّا توالتْ شهوری الطوالُ/ و قاربتُ هولاً به مأملی/ ذبلتُ ذبولَ غصونِ الخریفِ/ و مَن تکُ مثلی ولم تذبلِ !!» ترجمه: « آنگاه که ماه‌های طولانی به دنبال هم‌آمدند/ و با ترس و وحشت به آرزویم نزدیک شدم/ و چون برگ‌های پاییزی پژمرده شدم/ و چه کسی مثل من بوده و پژمرده نشده است؟!!» و در قصیده‌ای دیگر با منطقی زنانه از فلسطین می‌گوید که قربانی حماقتی بزرگ شده است: « سؤال/ سؤالٌ تبقی عن فلسطین/ یاااااااااه..... فلسطین!!!/ فلسطینُ.... تمزقت ما بین فَلَسٍ/ یرضعُه الصبرُ المجففُ ثدیَه » ترجمه: « سؤالی که از فلسطین باقی می‌ماند/ ای فلسطین!!!!!!/ فلسطینی که پاره پاره شد/ و صبر خشکیده، پستانش را از آن شیر می‌دهد ».

۲-۳-۵-جملات تأکیدی

تأکید در شعر شاعران زن بیشتر از طریق تکرار یک واژه، شبه‌جمله یا جمله، صورت می‌گیرد. تکرار نوعی نیاز روحی و درونی است که شاعر ناخودآگاه در اعماق خود احساس کرده است (مهنا، ۱۹۸۵: ۶۳۶). بنت خاطر برای بیان مفاهیم گوناگون از تکرار بهره می‌گیرند؛ به عنوان مثال از « یاء و فعل متکلم» زیاد استفاده می‌کند. در قصیده « مشاهده » ۲۶ مرتبه «ی متکلم» و ۱۰ مرتبه فعل« أراک» را تکرار می‌کند؛ که تکرار این فعل در ابتدای هر سطر بر عنوان قصیده (مشاهده) تاکید می‌کند؛ و یاد آور صنعت « تکرار آغازین» است که به نوعی شاعر برای انسجام قصیده از آن بهره برده است؛ « تکرار آغازین، به منظور انسجام در زنجیره کلامی به کار می‌رود و جملات قبل و بعد را به هم متصل می‌کند.» (داد، ۱۳۹۰: ۷۸) « أراکَ.. أراکَ.. أراکَ../ یقیناً أراکَ/ سنابلَ خُضرٍ تُراقصُ قلبی/ و تهدی لروحی حفیفَ الملاک/ أراکَ أراکَ/ فبینی و بینک حبلٌ خفیٌ/ یَلِفُّ کلانا » ترجمه: « تو را می‌بینم.. تو را می‌بینم.. تو را می‌بینم/ یقیناً تو را می‌بینم/ خوشه‌های سبزی که قلبم

را به رقص می‌آوری/ و به روحم انبوه فرشتگان را هدیه می‌کنی/ تو را می‌بینم تو را می‌بینم/ که بین من و تو ریسمان پنهانی ست/ که ما را در هم می‌تند». همچنین شاعر در قصیده « میراث» ۷ مرتبه با تکرار واژه « مسکین» و ۳ بار ترکیب « مرجومه أنتِ یا حواءُ» « آدم و حواء» را مورد نکوهش قرار می‌دهد و تناص دینی؛ فریب آنها از جانب شیطان را یادآوری می‌کند: « المسکینُ تزِلُ به القدمُ/ مرجومهٌ یا حواء../ مذ ثقبتِ بصدر أبینا طریقاً/ بنی الشیطانُ فیه سقیفه وسوساته/ و آدمُ المسکینُ یُرقرقُ التوبهَ / مغتسلا بالدعاء » (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۱۴) ترجمه: « پای آدم بیچاره می‌لغزد / رانده شده ای تو ای حوّا / زمانی که به قلب پدر ما نفوذ کردی / شیطان در قلب آدم، سقیفه وسوسه‌هایش را بنیان نهاد/ و آدم بیچاره اشک ریزان؛ با دعا خود را غسل می‌دهد». در بررسی‌های انجام شده مشخص شد، مضامینی را که این شاعر از طریق جمله‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد مفهوم احساسات زنانه را به خواننده القا می‌کند. پس به طور کلی تکرار در شعر این شاعر می‌تواند به دو دلیل باشد؛ اول این که شاعر از تکرار برای بیان احساسات خود استفاده می‌کند. «کیت» و « شاتل ورث» معتقدند به دلیل این که زنان دایره لغات محدودتری دارند از کلمات تکراری بیشتری در بیان احساسات خود استفاده می‌کنند (عمر ۱۹۹۶: ۹۵). دوم این که تکرار به محیط اجتماعی شاعر بر می‌گردد؛ زیرا بر اساس تحقیقات انجام شده مشخص شده است که یکی از موضوعات دوران معاصر، پدیده تکرار است که دلالت های معنوی دارد، از وجود لغوی تخطی می‌کند و به گفته نازک الملائکه « یکی از پرتوهای ناخودآگاه است که شعر را بر اعماق شاعر چیره می سازد و او را روشن می‌کند» (ملائکه، ۱۹۸۳ :۴۳).

نتیجه

سعیده بنت خاطر از پیشگامان شعر زنانه عُمان می‌باشد که توانسته با کاربرد زبان، جهانی زنانه را در شعر خویش خلق کند و به تحولات عمیقی در حوزه زبان شعری زنانه دست یابد. «لیکاف» نخستین کسی است که مسأله‌ی زبان زنانه را مطرح می‌کند؛ در این پژوهش، سطح نحوی زبان زنانه بر اساس نظریات وی بررسی شد و با مطالعه دیوان شاعر و تحلیل زبان زنانه در شعر وی نتایج ذیل حاصل شده است:

۱–شعر سعیده بنت‌خاطر آفریده ذهن و زبان زنانه‌ای است که با زندگی در عُمان توانسته است جایگاه زن معاصر را با زبان زنانه در شعر خود تبیین کند.

۲- وی از واژگان زنانه برای بیان مقاصد مختلفی مانند: مخالفت با اندیشه‌ی مردسالاری، بیان مفاهیم دینی و بیان احساسات بهره گرفته است؛ دلی مالامال از تبعیض و نابرابری حقوق زنان در جامعه عربی دارد و اثرات این تفکر فمنیستی در جای جای اشعارش به چشم می‌خورد .

۳-نسبت به کارگیری واژگان زنانه در شعر شاعران زن، بر اساس تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامعی که در آن پرورش یافته و بالیده‌اند متفاوت است؛ اما بنت خاطر برای پر رنگ کردن بُعد رمانتیک شعرش از واژگان زنانه برای بیان مضامین حسی -عاطفی کمک می‌گیرد و تمایل فراوانی به استفاده صریح از کلمات زنانه دارد.

۴- اشعار بنت خاطر مادرانه و عاطفی است؛ حتی عنوان برخی از قصائد وی مانند: (الحفیده، إمرأتان) نشانگر این مفهوم است که سراینده شعر یک زن است .

۵- بنت‌خاطر برخلاف زنان در فرهنگ و جامعه‌ی عرب، الهامات و مسائل جنسی زنانه را با واژه‌های تابو آشکار می‌کند .

۶-این شاعر زن مورد پژوهش به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در جامعه خود دارد از ساختار نحوی زبان زنانه(جملات پرسشی/ تعجبی) با گفتاری قاطع برای بیان مقاصد سیاسی، اجتماعی بهره می‌گیرد و با جملات تأکیدی، مفهوم احساسات زنانه را به خواننده القا می‌کند.

۷- بنت خاطر از نقش‌های معنایی- منظوری استفهام مانند: (شک و تردید، تشویق، تمنی و آرزو، شکوه و شکایت) برای القاء مفهوم خود به مخاطب مدد می‌گیرد.

منابع

۱-احمدی، فائزه و فرزاد؛ عبدالحسین، «**تحلیلی بر گرایش‌ها و رویکردهای زنانه در ادب فارسی و عربی**» ، پژوهشگاه علوم انسانی: مجله ادبیات پارسی معاصر، مجله ، صص۲۹-۱، ۱۳۹۲.

۲-ارباب، سپیده، «**بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه**»، نشریه پژوهش‌های زبان شناسی تطبیقی، شماره ۴، سال دوم صص ۱۲۴-۱۰۷، ۱۳۹۱.

۳-برهومه، عیسی، **اللغه و الجنس، حفریات اللغویه فی الذکوره والانثویه**، عمان: دارالشروق للنشر و التوزیع. ۲۰۰۲.

۴-بنت خاطر الفارسی، سعیده، **وحدک تبقی صلاه یقینی**، دیوان شعر، ۲۰۰۵ .

۵----------**إليها تحجّ الحروف**، دیوان شعر، ۲۰۰۳.

۶---------- **قطوف الشجره الطيبه**، شعر شعبی، ۲۰۰۴ .

۷---------- **ما زلتُ أمشی علی الماء**. دیوان شعر. القاهره: شمس للنشر و الإعلام. ۲۰۰۹

۸-جان‌نژاد، محسن، **زبان و جنسیت، تفاوت میان گویشوران زن و مرد ایرانی در تعامل مکالمه** رساله دکتری، دانشگاه تهران. ۱۳۸۰

۹-سلدون، رامان، **راهنمای نظریه های ادبی معاصر**، ترجمه عباس مخبرف تهران: طرح نو. ۱۳۷۲.

۱۰-الشارونی، یوسف، **فی الأدب العُمانی الحدیث**، لندن. ۱۹۹۰م.

۱۱-عمر، احمد مختار، **اللغه و اختلاف الجنسین**. القاهره: عالم الکتب. ۱۹۹۶.

۱۲-غذّامی، عبدالله ، **تأنیث القصیدۀ والقارئ المختلف**، بیروت: المرکز الثقافی العربی. ۲۰۰۵ .

۱۳-فتوحی، محمود،**سبک شناسی(نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)**، تهران: انتشارات علمی. ۱۳۹۱.

۱۴-قبّانی،نزار، **شعر،زن و انقلاب**، ترجمه عبدالحسین فرزاد، تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۳.

۱۵-گرین، کیت و لبیهان، جیل، **درسنامۀ نظریه و نقد ادبی**، حسین پاینده، تهران: روزنگار۱۳۸۳ .

۱۶-مدرسی، یحیی، **درآمدی بر جامعه شناسی زبان**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. ۱۳۶۸.

۱۷-الملائکه، نازک، **قضایا الشعر المعاصر**، بیروت: دار العلم للملایین. ۱۹۸۳.

۱۸-المهنا، عبدالله احمد، **نازک الملائکه، دراسات فی الشعر و الشاعر**، الکویت: الربیعان للنشر و التوزیع. ۱۹۸۵.

۱۹-میرعابدینی، حسن، **صدسال داستان نویسی ایران**، تهران: چشمه. ۱۳۷۷.

۲۰-نجفی عرب، ملاحت، **زبان و جنسیت در رمان**، تهران: علم و دانش. ۱۳۹۴.

۲۱- الیحیائی، شریفه بنت خلفان، **خلخله الأنساق الاجتماعیه و القیم الثقافیه: قراءه فی قصیده المرأه**، عمان: دارالشروق للنشر و التوزیع، ۲۰۱۵.